



۲۰۲۰/۱۰/۲۳



خلیل الله معروفی

یادداشت:

گرفتاریهای روزگار بعضاً وقت و مزاج و قلم را خلع سلاح میکنند و چنین حالتی را همین اکنون تجربه میکنم. دوست فرزانه ام، جناب "ولی احمد نوری"، که از مصروفیت هایم مطلع هستند، فرمودند، که اگر نوشتن مقاله جدید مقدور نباشد، چرا چند تا از مقالات سابقم را، که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، بی اندازه زیاد و بی حد و حصر در دسترس اند، برای نشر در "آریانا افغانستان آنلاین"، انتخاب نمیکنم، که یقیناً برای اغلب خوانندگان اینجائی، تازه و کاغذپیچ شمرده میشوند؟؟ بنا بر همین فرمایش، مقاله کوتاهی را، که در صفحه ۲۷ فبروری ۲۰۰۹ پورتال منتشر گشته بود، تقدیم میدارم. این مقاله اتفاقاً کوتاه است و وقت زیاد خواننده را ضایع نخواهد ساخت. کم من و کرم خواننده گفته و مقاله را پیش میکشم:

زبان و دستور زبان

همین امروز در پورتال "افغان جرمن آنلاین" مصاحبه ای را شنیدم، که با جناب "عبدالحمید تنویر" در مورد زبانهای افغانستان صورت گرفته است. ایشان راجع به زبانهای افغانستان و خصوصاً دو زبان رسمی و ملی ما تشریحاتی ارائه میکنند، که تا حد معینی قابل قبول است. ایشان مگر ضمن این مصاحبه در باره زبانهای کوچک افغانستان اینطور میفرمایند:

«زبانهای محلی اصلاً کدام دستور زبان ندارند و آهسته آهسته نسل به نسل از بین میرود....»

شاید مراد شان "دستور مدون و تدوین شده" زبانهای مذکور باشد، که اگر چنین باشد، سخن دیگری ست و حسابش علیحده. متأسفانه آقای تنویر با صراحت تام دلیل "اضمحلال" این زبانها را "نداشتن دستور زبان" قلمداد میکنند. حالا ببینیم، که این فرموده ایشان تا کجا مطابق با واقعیت است؟؟ اولین سؤالی، که پیدا میشود، تعریف خود "زبان" و "دستور زبان" است.

تعریف زبان:

زبانشناسان "زبان" را اصلاً از تواناییهای مغزی و پدیده ای "غیر مادی" و "مجرد" تعریف کرده اند، که از طریق آن بین افراد بشر ارتباط قائم میشود. سؤالی، که بلافاصله مطرح میگردد اینست، که یک پدیده "مجرد و ذهنی" چطور باعث ارتباط بین انسانها شده میتواند؟؟ جواب اینست، که "پدیده غیر مادی" زبان، دو "مظهر" و یا دو "تظاهر"

دارد، که هر دو "مادی" اند؛ یکی "تقریر" و دیگری "تحریر"؛ و از همین دو تظاهر و دو مظهر مادی ست، که ارتباط بین انسانها برقرار میگردد.

برای ثبوت "ذهنی بودن" زبان کافی ست بگوئیم، که: وقتی نزد خود بر مسأله ای فکر میکنیم، در حقیقت از پدیده ذهنی و غیر مادی زبان کار گرفته ایم. اندیشیدن، کار دیگری نیست، غیر از استفاده از زبان در ذهن.

اما برای اثبات "مادی بودن" "گفتار و نوشته" باید گفت:

"گفتار" را میشنویم و "نوشته" را میخوانیم، و این کاری دیگر نیست، غیر از استفاده از "حاسته سامعه" و "حاسته باصره". چنان، که میدانیم، انسان از طریق "حواس پنجگانه"، فقط و فقط پدیده های "مادی" را حس کرده میتواند. اگر موضوع را از نگاه فزیک کمی بشگافیم:

- گفتار مجموعه ای ست از صوتها و آوازهای بامفهومی، که به گوش میرسد. "صدا" و "آواز" چیز دیگری نیست غیر از "تموج و اهتزاز مواد انتقال دهنده یا هادی صوت" از قبیل "هوا" و "اجسام جامد و مایع" و چنان، که مبرهن است، هم "هوا" و هم اجسام "جامد و مایع"، همه مادی هستند.

- برای ثبوت مادی بودن "نوشته"، نوشته "روی کاغذ" را مثال میزنم، که عبارت است از یک قشر بسیار باریک و نازک از "رنگ"؛ و "رنگ" خود ماده است.

حالا، که بر خود "زبان" روشنی انداخته شد، باید برویم و "دستور زبان" را تعریف نماییم:

اولاً باید گفت، که هر زبان متشکل است از سه دستگاه ذیل:

- دستگاه دستوری

- دستگاه صوتی

- دستگاه لغوی

برای این، که یک زبان، "زبان" نامیده شود، باید مجهز باشد با همین سه دستگاه. اگر یکی از این سه دستگاه هم در زبانی وجود نداشته باشد، آن را دیگر "زبان" نامیده نمیتوانیم. از بین این سه جهاز، مهمترین همه، "جهاز دستوری" زبان است، که از بافت و قانونمندی داخلی همان زبان، حکایت کرده و استخوان بندی و ستون فقرات آن زبان را تشکیل میدهد.

- کلمات در یک زبان مطابق با یک قانونمندی خاص ساخته میشوند، که به نام "صرف" یاد میشود

- و مطابق به قانونمندی خاصی در جمله و کلام به کار میروند، که "نحو" نامیده میشود

- مجموعه "صرف" و "نحو" را با مقوله دری به نام "دستور زبان" و با مقوله عربی "صرف و نحو" و به اصطلاح انگریزی "گرامر" مینامند.

پس هر زبان از خود گرامر و دستور و صرف و نحو دارد، خواه تدوین شده و به شکل مدون عرضه گردد و یا این، که هرگز تدوین نشده و حالت مکتوب را به خود نگیرد. در جهان بیشتر از شش هزار زبان وجود دارند، که تعدادی از آنها زبانهای شفاهی اند؛ با دستورهای "غیر مدون" و "نامکتوب".

هر زبان دارای "دستور" است، خواه تدوین شده و حالت مکتوب را به خود بگیرد و یا آن، که این کار در حدش صورت نگرفته باشد و یا هرگز صورت نگیرد. البته زبانهائی، که صورت "مکتوب" را به خود بگیرند، امکان بقای آنها هم بیشتر میشود. گرچه با یورش چارنعل زبانهای بزرگ، زبانهای کوچک روز به روز از رونق افتاده و شاید تا نیم قرن و یا حد اکثر یک قرن دیگر از آنها اصلاً اثری هم باقی نماند.

برای روشن ساختن موضوع فعلاً به همین مختصر اکتفاء گردید. والسلام

(خلیل الله معروفی - برلین - ۲۷ فبروری ۲۰۰۹)



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمایید.](#)

